

نقش درخت زندگی

در فرشاهای ترکمنی

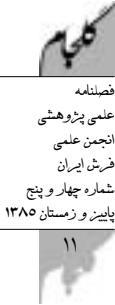
(با تأکید بر نقوش درخت در فرهنگ اسلامی و تمدن‌های باستانی)

جمال الدین توماج نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمود طاووسی

استاد و مدیر گروه رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس



۱۱

نقوش موجود در فرشها و دستبافته‌های ترکمنی، برای

بررسی این فرض که می‌توان نام درخت زندگی را به این نقوش اطلاق کرد. مقایسه‌های انجام شده حاکی از تشابه طرح‌های درخت و درخت زندگی در فرشهای ترکمنی با طرح‌های اسلامی و باستانی است.

■ **کلید واژه‌گان**

درخت زندگی، درخت، فرشهای ترکمنی، جانماز، انسی، نماز لیق.

■ **چکیده**

در اسلام درخت زندگی را سدره یا طوبی می‌خوانند. در اذهان پیروان دین اسلام این درخت در بهشت می‌روید، پس موضوعی است مناسب جهت خلاقیت‌های هنری در اصطلاح ترکمنی درخت زندگی را «یاشایش باغ» می‌خوانند. در این جستار سعی در بررسی نماد درخت و درخت زندگی است با رویکرد به اشکال درخت زندگی در تمدن‌های باستانی و مقایسه این اشکال با

■ مقدمه

و در آخر کانون توجهش به آسمان‌ها و افلاک معطوف می‌شود و اسطوره‌ها و نمادهای گوناگونی برای این مظاهر طبیعت می‌آفریند.

اقوام ترکمن که کوچ نشین بوده‌اند، با توجه کردن به مظاهر طبیعت و باورها و اعتقادات خویش، بر روی فرشها و بافته‌های خود به هنر نمایی پرداخته‌اند و بسیاری از نمادهای موجود در زندگی خود را وارد این آثار نموده‌اند. در بررسی نقوش فرشهای ترکمنی شاید نتوان با قطعیت به معنا و محتوای خاص آنها پی‌برد چرا که گاه پیچیدگی انتزاعی نقوش و کمبود اطلاعات در مورد آنها این کار را با مشکل مواجه می‌کند.

در این مقاله با مقایسه‌های انجام شده در مورد نمونه نقشهای موجود در فرشهای ترکمنی با نقوش باستانی، و با توجه به برخی فرضیات و شواهد، دیدگاهی در مورد وجود نماد «درخت زندگی» در فرشهای ترکمنی و تأثیر جهان بینی اسلامی بر روی آن ارائه خواهد شد.

■ درخت

اعتقاد به وجود روح در برخی درختان و گیاهان باوری است دیرپا و مربوط به پیش از تاریخ. درخت از کهن‌ترین نمادهای پسر است. جی‌سی کوپر درخت را «کل عالم عین؛ ترکیب آسمان و زمین و آب؛ زندگی پویا در تقابل با سنگ که حیات ساکن است» معرفی نموده (کوپر، ۱۳۷۸، ۱۸) همچنین «درخت را بسیاری از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا یا در واقع، خود خدا می‌پرستیدند. و نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی بود». (هال، ۱۳۸۰، ۱۲۴) از مفاهیم موجود در

فرشهای ترکمن به دلیل خصوصیات استثنائی خود در طرح و رنگ از جمله فرشهایی هستند که مورد توجه پژوهشگران جهان قرار گرفته‌اند. این فرشها به دلیل جذابیت طرحهای تکرار شونده و ساده و ترکیب و طیف غنی و فوق العاده رنگی‌شان سزاوار این شهرت جهانی هستند.

نقوش فرش ترکمن هندسی و برگرفته از طبیعت اطراف این قوم و باورها و اعتقاداتی است که آنها در فرهنگ کوچ نشینی خویش داشته و در مواردی از همسایگان خویش وام گرفته‌اند؛ بنابراین انتزاع و نمادگرایی کاملاً در آنها مشهود است. نمادگرایی و رمزپردازی از مفاهیمی است که امروزه نظر پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده است. در یک تعریف ساده، نماد چیزی است که به جای چیز دیگر به کار می‌رود و نشانه آن است و بر آن دلالت دارد. (هال، ۱۳۸۰، ۵) انسان بر اساس طبیعت خود، نمادهای گوناگونی آفریده است، این نمادها در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام بخش هنرمند است، عمل می‌کنند.

شاید اولین نمادها، نمادهایی باشند که بر اساس پرستش و تقديری طبیعت خلق شده‌اند. اعتقاد بر این است که اولین نمادها با زایش اولین اسطوره‌ها به وجود آمده‌اند. (کیتسی، ۱۳۷۸، ۱۸)

انسان در سیر دوران زندگی خویش ابتدا تحت تأثیر قدرت و نیروی پر رمز و راز برخی حیوانات شروع به پرداختن اسطوره‌ها و نمادهای مربوط بدانها می‌کند، سپس متوجه زمین حاصلخیز و رشد و نمو گیاهان شده

مورد نماد درخت همچنین می‌توان به موارد زیر اشاره مختصری به مفهوم این نماد در تمدن‌های باستانی خواهیم کرد:

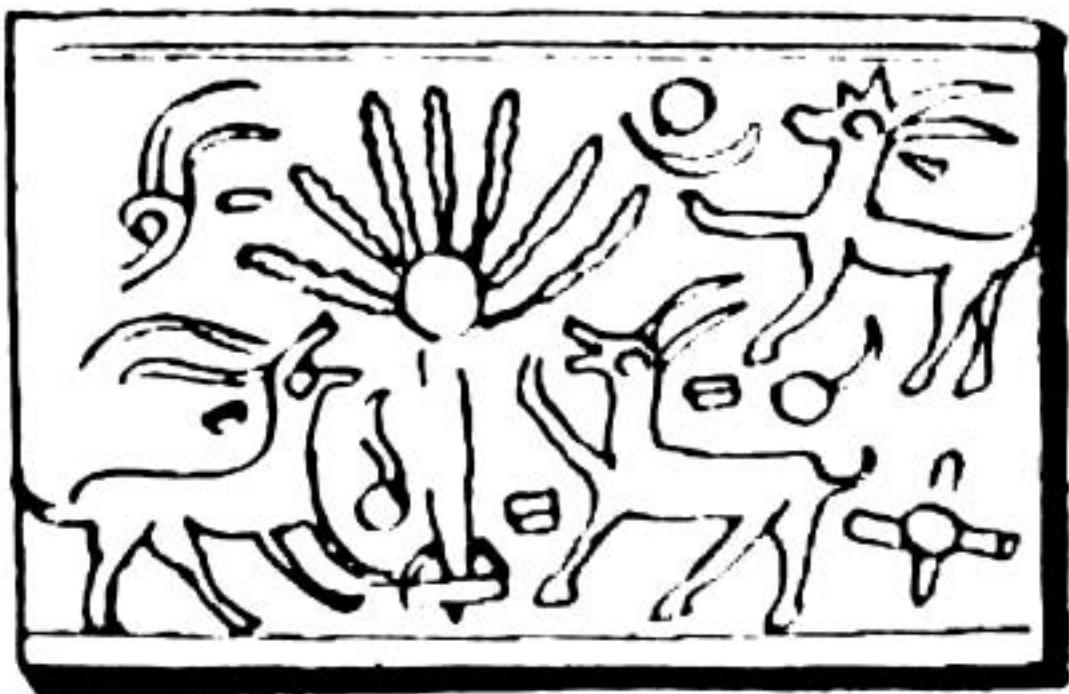
در بابل درخت زندگی «آ» نامیده می‌شد: پدر خدایان. این درخت در «اریدو» می‌روید و همچنین «یوکانو» نیز نام داشت. کسی که از میوه آن می‌خورد به عمر جاودان دست می‌یافتد. تصویر درختی که در دو سوی آن یک جفت جانور، نیمه خدا یا نقش انسان باشد، در هنرین النهرين وجود دارد. (هال، ۱۳۸۰، ۱۲۴) از این نوع تصاویر، دوگونه عمدۀ یافت شده است: درختی که در دو سوی آن، جانورانی وجود دارند که در مقابل هم ایستاده اند؛ یا

در دو سوی آن، نقشهای انسانی (یا نیمه انسانی) به چشم می‌خورد و آنان، ظاهراً، مراسمی جهت باروری انجام می‌دهند. (تصویر ۱)

درخت همیشه سبز مظهر زندگی ابدی، روح نامیرا و بی‌مرگی است. درخت برگ ریز نمایان گر دنیا است که در حال تجدید حیات و بازایی مدام، از مرگ به زندگی می‌رسد. همچنین این درخت نهاد رستاخیز و بازآفرینی و اصل حیات است. هر دو درخت نماد کثرت در وحدت هستند، چند شاخ از یک ریشه می‌روید و دوباره به صورت هسته میوه در هر شاخه به وحدت می‌رسند.

■ درخت در تمدن‌های باستانی بین النهرين و ایران

برای درک بهتر مفاهیم نماد درخت و تأثیر این مفاهیم در فرهنگها و تمدن‌های گوناگون در این مبحث اشاره در تمدن سومری و سامی، درخت حیات نماد نوسازی



تصویر ۱



کیهانی و هفت شاخه آن هفت سیاره و هفت آسمان است. درخت حیات بابلی که در عالم می‌چرخد شاخه‌هایی از لاجورد دارد و میوه‌ای شگفت‌انگیز می‌دهد.

در تمدن ایران زمین، در آیین روحانی درخت زندگی «هثوم» (هثوما) نام دارد و از میوه آن برای تغذیه ارواح بهشتیان در فردوس استفاده می‌شود. بسیار مشابه این درخت (هوم) را با نام «سوما» در ودای هندویی مشاهده می‌کنیم.

در ایران نخستین نمونه‌های گیاهی روی سفالها، مهر و سنگها یافت می‌شود. در داستان آفرینش نخستین پدر و مادر بشر، مشی و مشیانه (نخستین زوج بشر) از نطفه کیومرث که در زمین ریخته بود، بیرون آمدند. آنها نخست به شکل گیاهی پیوسته به هم روییدند به طوری که نمی‌شد تشخیص داد که کدام مرد و کدام زن بود. این دو با هم درختی را تشکیل می‌دادند که حاصل آن ده نژاد بشر بود. (فریبد، ۱۳۸۳، ۴۳)

درخت، هم به جهت پیوند میان زمین و آسمان و هم از جنبه زندگی بخش بودن و باروری تقدیس می‌شود. درخت زندگی که معمولاً در تصاویر و نقوش میان دو راهب یا دو کاهن یا دو جانور (شیردال، بز و حشی، شیر و...) قرار دارد که نگاهبانش به شمار می‌روند. رمز نیروی مقدس و بیمناک است. برای چیدن میوه‌های این درخت که از آن اکسیر ملکوتی طول عمر یا جاودانگی به دست می‌آید، باید با هیولای نگاهبانش در آویخت. هر که در این نبرد پیروز شود، به مرتبه ای فوق انسانی ارتقا می‌یابد، یعنی نامیرا و بی مرگ می‌شود. (فریبد،

■ درخت در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی درخت مظہر رحمت الهی و روحانی است، نور الله که زمین را منور می‌سازد. (همانند درخت زیتون که هم روزی ده است و هم چراغ: «الله نور السموات و الارض مثل كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجه كانها كوكب دری» (سوره نور: ۳۵) از درخت آسمانی، طوبی یا سدره، در مرکز بهشت چهار رودخانه آب، شیر، عسل، شراب جریان می‌یابد. (p369، Lechler, 1968,

قرآن مجید که الهام‌بخش اندیشمندان و هنرمندان است، بارها و بارها از واژه درخت و انواع مختلف آن مانند طوبی، خرما، زیتون، انار، انجیر و... یاد کرده و معانی عمیق و با ارزشی را به صورت نمادین به کمک آن بازگو نموده است. تعبیر درخت در قرآن بسیار متنوع است؛ مثلاً در سوره یس در بحث بسیار مهم آفرینش و حیات بازپسین، خداوند از پدید آمدن آتش از درخت سبز به عنوان پدیده‌ای شگفت‌آور و عبرت آموز نقل می‌کند. (فریبد، ۱۳۸۳، ۴۹) می‌توان گفت که والاترین درخت در قرآن، درخت سدرة المتهی یا درخت طوبی است که در بهشت جای دارد. شایان ذکر است نماد و مفهوم درخت در کلام الهی، صورتی جهنمنی نیز دارد که به لحاظ جایگاه و قداست در مقابل درخت طوبی است. این

درخت «زقوم» نام دارد و در جهنم می‌روید.

■ مفهوم نمادین درخت نزد اقوام ترک و ترکمن

اقوام ترک اقوامی بیابانگرد بوده‌اند که در طی قرون متتمادی با مهاجرتهای عظیمی که به طرف خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا داشته‌اند، باعث تحولات بزرگی در این نواحی شده‌اند. این اقوام کوچ نشین به علت مجاورت با فرهنگ‌های غنی همسایگان متمندن خویش بسیاری از نمادها را از ایشان به عاریت گرفته‌اند. این اقوام بسیاری از نمادها و نقشها را روی بافته‌ها و فرشها می‌باخند، چرا که آنان به دلیل زندگی کوچ نشینی هیچ‌گاه نمی‌توانستند دست به خلق هنرهای ماندگاری چون معماری و مجسمه سازی بزنند. در جوامع سنتی فرشها همانند دیگر آثار هنری تنها جنبه کاربردی نداشته بلکه محل ذخیره و ناقل اطلاعاتی در مورد جهان بینی اقوام آفریننده شان بوده‌اند (Serkina, 1999, p1).

ترکمنهای کوچ نشین از اعقاب ترکان اوغوز بوده‌اند که با ایمان آوردن به اسلام به «ترک ایمان» یا «ترکمان» معروف گشتند. طوابیف ترکمن قبل از اسلام پیرو آیین شمنی بوده‌اند و به «تانگری» (تائری، تاری) (خدای آسمان) اعتقاد داشته‌اند. (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۳) ترکمنها ظواهر و عناصر طبیعت را محترم می‌شمرده‌اند و برای هر کدام از این عناصر قایل به خدایی بوده‌اند. هنوز هم در میان ترکمنان برای خاموش کردن آتش به طور مستقیم از آب استفاده نمی‌شود. (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۳) وجود سبزی، گیاه و درخت برای ترکمنان نعمتی بوده که در صحراهای خشک و بی آب مناطق زندگی آنها کمتر یافت می‌شد. به همین دلیل آنها تک درختی را که در

زمینی خشک برپا ایستاده بود، تقدیس می‌کرده‌اند.
در روستای «یانقاق» واقع در شمال شرقی گنبد کاووس دو درخت کهن‌سال وجود دارد که به اعتقاد اهالی این محل مقدس‌اند و حتی اهالی منطقه بر این باورند که بیمارانی از این درختان شفا گرفته‌اند. به گفته اهالی این محل سالیان گذشته مراسم دعای باران زیر این درختان انجام می‌شده. اهالی روستا هنگامی که شاخه‌ای از این درختان بر روی زمین می‌افتد به آن دست نمی‌زنند تا شاخه خود پوسیده و از بین برود. (تصویر ۲)



تصویر ۲

در فرشها و قالیهای ترکمنان و ترکان نقش «یاشایش باغ» وجود دارد که به معنی درخت زندگی است. این نقش در میان ترکمنها به نام «قوشلی باغ» به معنی «درخت دارای پرنده» و یا «قوجوم» معروف است. (تصاویر ۹ الف و ب) ترکمنان شمال ایران آسیب رسانند و کندن درختان و گیاهانی را که مجاور زیارتگاه مقدسی روییده، کاری ناپسند می‌شمرند. مردم ترکمن این مناطق از گیاهان و درختانی که در چنین اماکنی می‌رویند، تکه‌ای چوب خشک جدا می‌کنند و به شکل خاصی آن را تراش داده و

می خوریم که نماد درخت توت است . (بداغی، ۱۳۷۱، ۵۴) در ترکیه نیز ، به ویژه در قسمت شرقی این کشور ، عقاید و افکار مشابهی در مورد درخت وجود دارد . زنان بدون فرزند ترک و دختران دم بخت به زیارت تک درختی می روند که در محلی نزدیک روستایشان و یا نزدیک مزار فردی مقدس ، روییده است . آنها مدلهای کوچکی از گهواره و عروسک را به شاخه های درخت می بندند . (Serkina, 1999, p4)

همچنین در سرزمینهای ترک زبان اعتقاد به زندگی بخش بودن و باروری درختان نیز وجود دارد . در ارزروم و مناطق دیگر ترکیه یک شاخه سیب در اتاق زنی که می خواهد فرزندی به دنیا آورده، گذاشته می شود . در ترکیه مردم عقیده دارند ، هنگامی که درخت پیری می میرد ، بدین معنی است که در جایی پیرمردی مرده است ، وقتی درخت جوانی می افتاد ، دلالت بر مرگ یک جوان است . (Serkina, 1999, p4)

فرازها و ترکمنهای «مانقلات» اعتقاد بر این است که در بهشت درختی وجود دارد که هر برگ آن درخت متعلق به کسی در زمین است و وقتی کسی می میرد ، برگ او می افتاد . ترکان سیبری معتقد بودند کودکان کوچک بدون

برای دفع شر و چشم زخم به گردن نوزادان و کودکان خود می اندازند یا آن را به مج دستشان می بندند . این چوب متبرک در اصطلاح «داغدان آغاچ» نام دارد . گیاهان و درختانی که بر کوه ها می رویند ، نزد ترکمنان اهمیت خاصی دارند . به همین علت غالباً داغدان آغاچ را از این درختان تهیه می کنند . در زبان ترکمنی «داغ» به معنی کوه و «داغدان آغاچ» به معنی «چوبی که از کوه گرفته شده» است .

ابن فضلان از چوبی تراشیده نزد ترکان «باشگرد» سخن می گوید که هر فردی به گردن خود می آویخته و در هنگام سفر و مواجهه با دشمن آن را می بوسیده و بر آن سجده می گزارد . (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۶) در این مناطق زنان بدون فرزند و دختران دم بخت و حاجتمدان به درخت یا بوته نزدیک یک مزار مقدس دخیل می بندند و حاجت می خواهند . (تصویر ۳) از جمله درختان مورد تقدير و با اهمیت نزد ترکمنان این مناطق درخت توت است . این درخت از قدیم مورد توجه ترکمنان است چرا که منبع تغذیه کرم ابریشم بوده و در برخی مناطق ترکمنها آلاچیقهای خود را از چوب این درخت تهیه می کرده اند . (تصویر ۴) در میان نقوش فرش ترکمنی نیز به نمادی بر



تصویر ۴. درختان توت در نزدیکی روستای قرناده



تصویر ۳. درختچه‌ای در نزدیکی آرامگاه خالد بنی

مراسم خاص مورد استفاده قرار می گرفته و در حجاریها و نقاشیها و مهرها و ... ثبت شده است در «مو هنجودارو» لوحه‌ای متعلق به پیش از ۳۰۰۰ ق.م. کشف شده که درختی را با دو سر گاو نشان می‌دهد. (تصویر ۵)

در مهری مربوط به سومریان، شکارچی‌ای رامی بینیم که با تیر و کمان از درخت مقدس در برابر حیوانی محافظت می‌کند. (تصویر ۶)

فرم درخت در مهرها و کتیبه‌های گوناگون مربوط به تمدن‌های مختلف غالباً مشابه هم است: ته ای اصلی و نیرومند به همراه شاخه‌هایی در دو طرف این تنہ. بسته به فرهنگ و تمدنی که این نقوش در آن یافت شده، تعداد شاخه‌های درخت متفاوت است. در اغلب تمدن‌ها هفت شاخه به نماد هفت آسمان و هفت سیاره در درختان مقدس وجود دارد. در یک حجاری آشوری، شاه آشوری را کنار درخت زندگی می‌بینیم. (تصویر ۷) در این حجاری می‌توان فرم درخت زندگی را با گلهایی که در بالای آن روییده، مشاهده نمود.

اولین نمونه مورد بررسی در اینجا نقوشی است که روی

دندان کاملاً به طبیعت تعلق دارند و در صورت مرگ، اجساد بیجان ایشان را در پوست درخت («غان» قداد می‌کردند و به درختی می‌آویختند. (Serkina, 1999, p4) به گفته پژوهشگران در آیین شمنی، غان را در نقش درخت حیات با هفت شاخه به صورت دیرک هفت شکافه نیز تصویر کرده‌اند که مظاهر هفت سیاره و مراحل صعود به آسمانهاست. (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۲۷) طبق اعتقادات شمنی یک نوزاد شش ماهه هنوز درختی را که روحش به شکل پرنده بدان باز می‌گردد به یاد می‌آورد. (Serkina, 1999, p5) این نکته جالب توجه است که ترک زبانان افسانه‌ای در مورد زایش بشر یا جد شمن از یک درخت دارند. «در این افسانه نام جد ایشان "اودون" است که در زبان ترکی مدرن این کلمه به معنی هیزم می‌باشد.» (Serkina, 1999, p7) این افسانه قابل قیاس با داستان مشی و مشیانه در تمدن ایران باستان است.

■ شکل‌های درخت زندگی

از دوران کهن نماد درخت با شکل‌های خاص در آیینها و



تصویر ۶



تصویر ۵



تصویر ۷

فصلنامه
علی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهل و پنج
پاپیروزستان ۱۳۸۵

۱۸

مفرش‌های ترکمنی است. این نقشها همان‌طور که در تصویر ۱۲ مشاهده می‌شوند، دارای تنہای اصلی به همراه شده‌اند، متفاوت هستند. در طایفه «تکه» این نقشها دو چند شاخه فرعی هستند که در وسط به طرح گل مانندی طرح «آشیق» دارند و در طوایف دیگر یک، یا حتی سه و چهار هم دیده می‌شود. «آشیق» (به معنی قاپ) نامیده می‌شوند.

تعداد این طرحها بسته به طوایفی که مفرشها در آن بافته شده‌اند، متفاوت هستند. در طایفه «تکه» این نقشها دو چند شاخه فرعی هستند که در وسط به طرح گل مانندی رساند. این طرح گل مانند در اصطلاح ترکمنی تشابهاتی که این نقشها با نمونه‌های باستانی دارند با

آنها می توان به عنوان نمونه بارزی از نماد مورد تقدیس نزد ترکمنان ذکر کرد، فرشهای «انسی» هستند که علاوه بر استفاده به عنوان پرده در ورودی آلاچیق بزرگان ترکمن به عنوان جانمانز نیز مورد استفاده قرار می گرفت. همان گونه که در تصویر (۸) مشاهده می شود، در قسمت محرابی شکل موجود در این انسی، نقشی مانند نقش درخت و مشابه موارد قبل دیده می شود. این نقش مشابه نقش درخت و محراب موجود در قالیچه های محرابی ایرانی است. بر اساس باور رایج شمنیستی، زمین و بهشت با درختی که از مرکز زمین رشد کرده به هم مرتبطاند. این مسیر باید توسط روح شمن طی شود. در راه این سفر به بهشت، روح شمن از سطوح گوناگونی باید عبور کند که با شاخه های یک درخت نشان داده می شوند. اصطلاح درخت زندگی در مرکز بهشت اسلامی را می توان با این مفهوم مرتبط دانست.

در زبان ترکمنی به نقش یاد شده «محراب گل» گفته می شود و طبق این اعتقاد شمنی در واقع درختی است که بهشت و زمین را به هم وصل می کند. نقش درختان در محرابها را می توان در جانمانزهای ترکمنی که بدانها «نمازلیق» می گویند، نیز مشاهده نمود. پیداست که این نقش پس از اسلام آوردن ترکمنان بر اساس اعتقاد اشنان در این نوع بافت‌ها ظهور کرده‌اند. (تصاویر ۱۳، ۱۲، ۱۱) نقش تصویر (۱۲) در میان بافت‌گان ترکمن به «آق ناقش» یا «نمازلیق ناقش» معروف است. برخی پژوهشگران این نقش را نیز تلفیقی از درخت و پرندۀ می دانند. (Jourdan, 1989, p36) در قسمت تحتانی و دور این انسی نقش درختی دیگری را می توان مشاهده

توجه به نمونه های ارایه شده، چنین است:

الف) تنہ اصلی موجود در نقشها؛

ب) شاخه های فرعی که تعدادشان متفاوت است؛

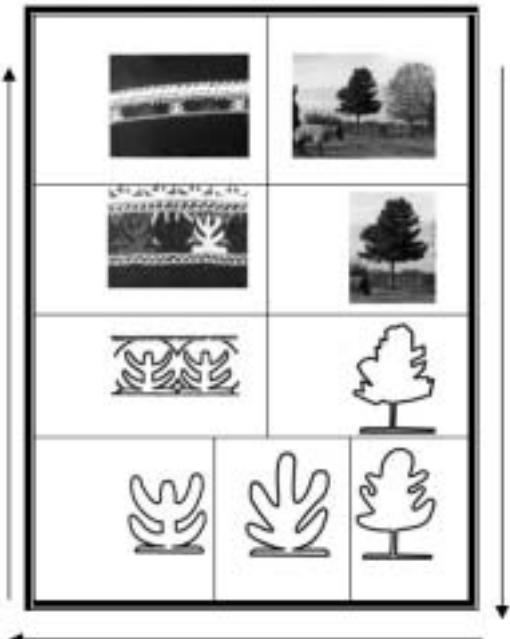
ج) طرحهای گل مانندی که در انتهای نقوش باستانی

دیده می شوند و در نقوش ترکمنی در وسط و گاه مانند تصویر ۱۵ در انتهای نقش هستند.

در نقوش سوزندوزی ترکمنی نقش درخت را می توان کاملاً به صورت طبیعی تشخیص داد. در نقش سوزندوزی ترکمن که به «باغ نقش» (نقش درخت) معروف است به علت نوع بافت که آزادانه تراز مفرشها و فرشهای ترکمنی است، در اصل نقش کمتر تصرف شده و با توجه به جدول ۱ مدلی ارایه شده که انتزاع این نقش از طبیعت را نشان می دهد.

از نمونه های بسیار مهمی که نقش درخت و گیاه را در

جدول ۱- مدلی برای تحول نقش درخت در سوزندوزی از طبیعت به سوی تحریر (نگارنده)



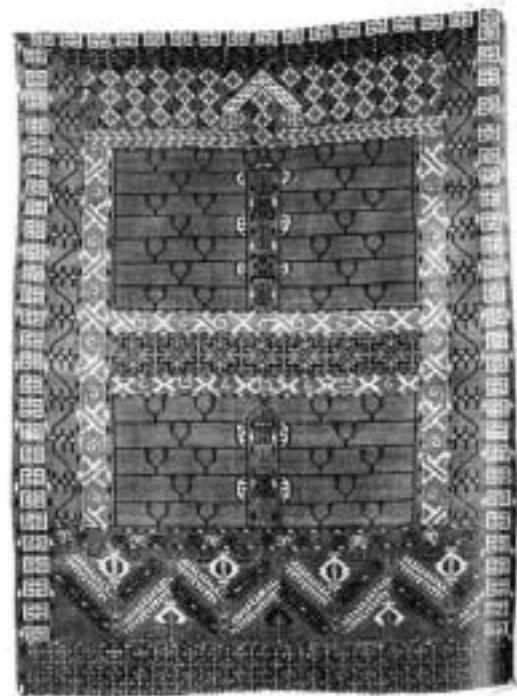


فصلنامه
علی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهل و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۲۰



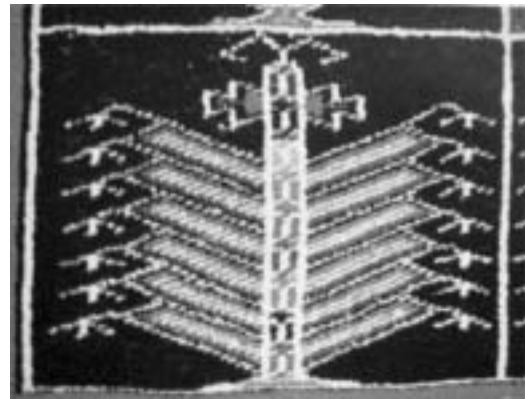
تصویر ۷ - یک نمونه انسی مربوط به اوایل قرن بیستم
و نقش گل محراب بر روی آن



تصویر ۹ - یک نمونه انسی مربوط به اوایل قرن بیستم
موارد در موزه لندن با نقش درخت و دو جانور نگهبان

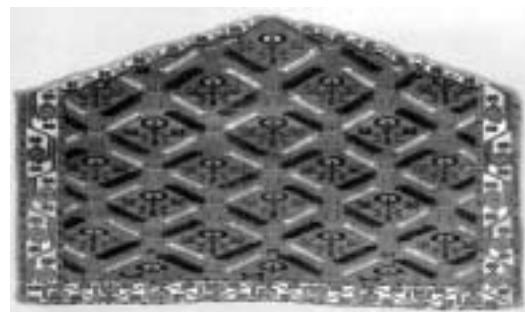
نمود که مشابه درختان ذکر شده در آسمالیق ترکمنی هستند. با این تفاوت که به گل انتهایی این نمونه ها «انسی آشیقی» گفته می شود. در نمونه ای از این بافته ها در تصویر (۱۰) نقش درخت زندگی با دو جانور نگاهبان آن مشاهده می شود.

نقش دیگری که در اینجا مورد بحث قرار می گیرد، نقشی است موسوم به نقش درخت توت . (تصویر ۱۳) همان طور که ذکر شد، درخت توت از جمله درختانی است که ترکمنان آن را تقدیس و احترام می کنند و دلیل آن شاید شغل نوغانداری برخی از طوایف ترکمن و استفاده از ابریشم در میان ترکمنان جهت تهیه فرشها و دستبافته های نفیس باشد.

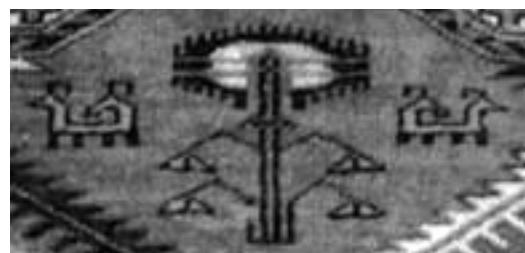


تصویر ۱۰- نقش درخت توت

این نقش نیز همانند موارد دیگر تنه ای دارد که در انتهایه نقشی گل مانند منتهی می شود. تفاوت این نقش با سایر نقوش یاد شده در شاخه های آن است که همانند شاخه های درخت توت موازی و به هم چسبیده اند. این نقش دارای دوازده شاخه است. زنان ترکمن برای تقدس بخشیدن به این نقش، نقش شاخ قوچ را بالای درخت بافته اند.



در نقوش مختلفی که از درخت زندگی موجود است همان طور که دیدیم. دو جانور مثل دیو، مار و ... نگاهبانی می کنند. در فرشها و دستبافته های ترکمنی به ندرت این نگاهبانان نقش شده اند اما نمونه ای در نشریه Oriental Rug Review در سال ۱۹۸۸ توسط George W.O Bannon معرفی شده که از نقوش نادر درخت زندگی نزد ترکمنان است و می تواند شاهدی بر این مدعای باشد که این طرحها را بتوان طرح درخت

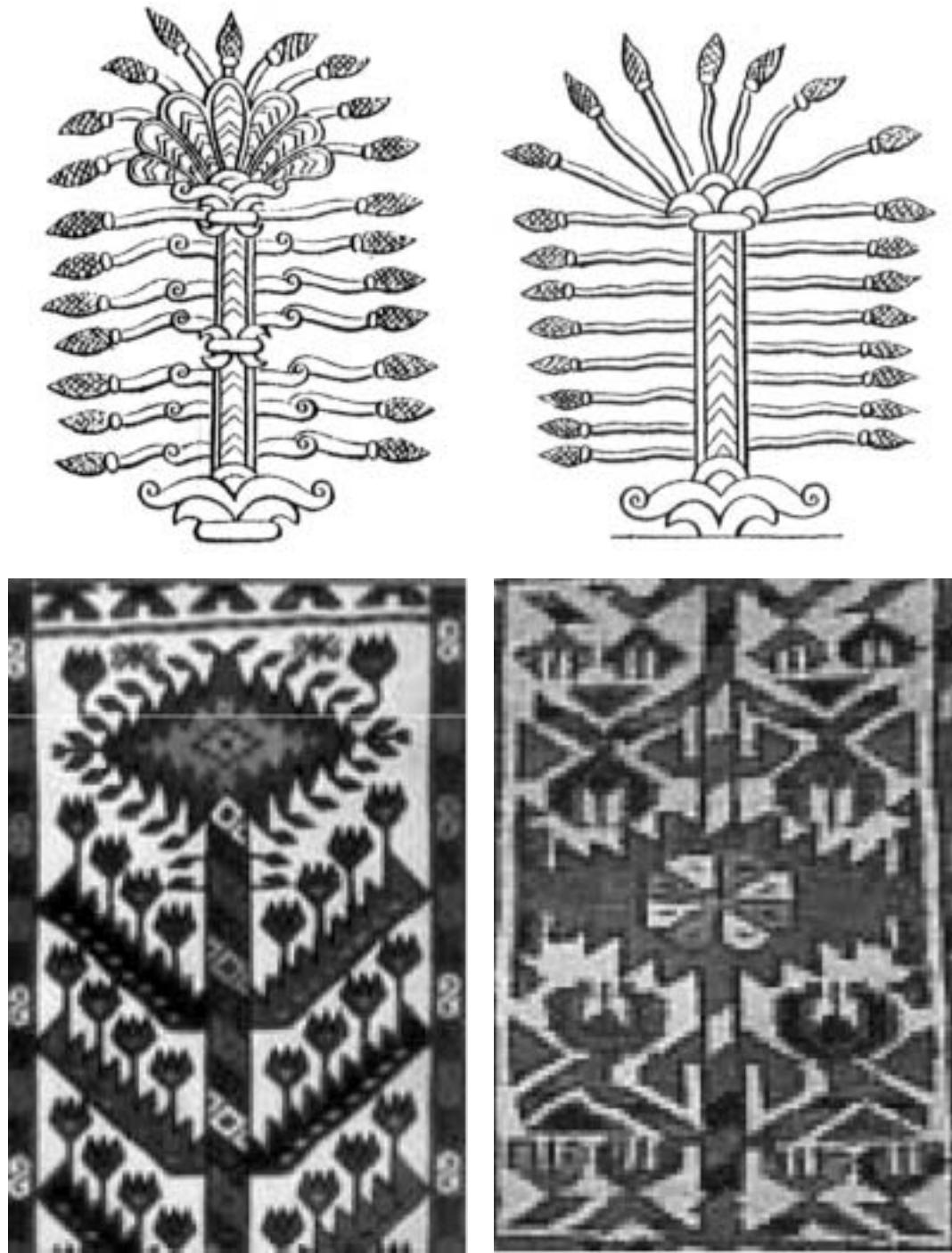


تصویر ۱۱- آسمالیق با نقش درخت زندگی و دو جانور نگهبان



فصلنامه
علی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهل و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۲۲



تصویر ۱۲ - مقایسه طرح های باستانی موجود درخت زندگی با نقوش ترکمنی

نقشهای با نقوش درخت زندگی اشاره نمود . اما پر واضح است که استفاده از این نقش در میان ترکمنها گرچه به نسبت استفاده از نقوش جانوری کمتر بوده، تنها برای زینت به دستبافت‌ها نبوده و همانند نقشهای دیگر در فرهنگ ایشان به عنوان نماد و سمبول مورد استفاده قرار گرفته است . در میان مردم ترکمن نیز اگر در نزدیکی زیارتگاه اولیا یا بزرگی درختی وجود داشته باشد، مبدل به درخت حاجات می‌شود، نمادی که در اغلب نقاط ایران هنوز وجود دارد . توجه به طبیعت و عناصر طبیعت نیز از دیرباز با توجه به شمنیست بودن ترکان قبل از

اسلام ، در میان ترکمنها ریشه دوانده و این نیز خود می‌تواند دلیلی بر استفاده نمادین از این عناصر در

دستبافت‌ها و صناعات ترکمنی باشد .

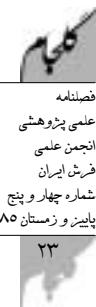
پس از اسلام بسیاری از نمادهای موجود در میان ترکمنان با تغییراتی اندک وارد اعتقادات اسلامی ایشان شد . درخت نیز یکی از این نمادها بود که بر روی فرشاهای جانماز و انسی‌های ترکمنی حالت تقدس خود را حفظ نمود .

زندگی نامید . (تصویر ۱۴) این نمونه از دستبافت‌های اقوام تکه است که به عنوان آویز داخل آلاچیق‌ها از آن استفاده می‌شده و در ترکمنی «آسمالیق» نامیده می‌شود . دو جانور که به نظر می‌رسد «بز» باشند در دو طرف درخت دیده می‌شوند . (Bannon w.o,1988,p36) در این نمونه نیز نقش درخت کاملاً مشابه نمونه‌های سابق است، به همراه تههای که به گلی منتهی می‌شود و شاخه‌هایی که به برگهای برگشته ختم می‌شوند . جانوران به نظر می‌رسد پشت به هم ایستاده‌اند .

نتیجه گیری

با توجه به موارد اشاره شده ، شباهتهای موجود میان نمونه‌های باستانی نقش درخت و درخت زندگی و با توجه به کوچ نشین بودن اغلب طوایف ترکمن و امکان دسترسی این طوایف به منابع غنی نقش و نگارهای تمدن‌های همجوار خود در تاخت و تازهای توان این نظر را که نقوش موجود در فرشها و دستبافت‌های ترکمنی نقش «درخت زندگی» هستند، عرضه و به شباهت این

ویژگیها	نماد کیهانی	نماد باروری و زمین	کارکرد آینین و دینی	موجودات نگهبان	گل انتهایی	شاخصهای فرعی	تنه اصلی	طرحهای باستانی	طرحهای اسلامی	طرحهای ترکمنی	طرحهای اسلامی
									دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد
								دارد	دارد	دارد	دارد



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهارم و پنجم
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۲۳

■ منابع و مأخذ

۱. بداغی، ذبیح الله، نیازجان و فرش ترکمن، نشر فرهنگان، تهران ۱۳۷۱.
۲. حصویری، علی، قالی های ترکمنی نشر فرهنگان، تهران ۱۳۷۱.
۳. شوالیه، ژان، آلن گبران، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، انتشارات جیحون، تهران ۱۳۷۹.
۴. فربود، فریناز، محمود طاووسی «بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی مدرس هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول شماره دوم، ۱۳۸۱.
۵. کویر، جی.سی، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران ۱۳۷۹.
۶. کیتسی، جاتین، «اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرش های شرقی»، مجله قالی، شماره ۹۰، ۱۳۷۸.
۷. گلی، امین، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، نشر علم، تهران، ۱۳۶۹.
۸. هال، جیمز، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه دکتر رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
9. Jourdan, Uwe, ORIENTALRUGS, Volums, TURKOMAN Antique collectors' Club Ltd, Scotland, 1989.
10. Iechler , George , THE TREE OF LIFE IN INDO-EUROPEAN AND ISLAMIC CULTURES, Ars Islamica, Vol IV, Ann Arbor Press 1968, P369
11. Pinner, Roberet, The Turkmen Ensi in Literature and in Life, HALI, 2003, 132, p96
12. Serkina, Galina, Traces of Tree Worship in the Decorative Patterns of Turkish Rugs, from 11th International Congress of Turkish Art Utrecht, the Netherlands, 1999, August 23-28.
13. W.O Bannon, George, A Rare Turkoman Weaving, Oriental Rug Review, Vol.8/3,1988, February/march .p36

■ فهرست منابع تصویری

۱. تصاویر ۲، ۳ و ۴ از نگارندگان
۲. تصویر ۱، ۵ و ۷

Iechler, George, THE TREE OF LIFE IN INDO-EUROPEAN AND ISLAMIC CULTURES, Ars Islamica, Vol IV, Ann Arbor Press, 1988



فصلنامه
علی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهل و پنج
پاپیروزستان ۱۳۸۵

۲۴